

نگاه فلسطین، سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا

حمید رضا سعیدی نژاد*

۱۴۳

مقدمه

در واکنش به نتایج مصیبت بار دو جنگ جهانی، در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ (۱۳۲۴)، طرح تشکیل سازمان ملل متحد، طی یک اساسنامه به نام منشور، پیش بینی و امضا شد. هدف اصلی از تشکیل این سازمان، حفظ صلح و امنیت بین المللی، ادعا و اعلام شده بود که صراحتاً در بند یک ماده یک منشور تصریح شده است. این بند، مقدمه‌ای بود برای فصل شش و هفت منشور، که چگونگی اجرای این وظیفه خطیر به تفصیل شرح داده شده است.^۱ از پیدایش سازمان ملل تاکنون، قضیه فلسطین به عنوان مهمترین معضل خاورمیانه و شاید جهان و همچنین با سابقه‌ترین منازعه، در دستور کار این سازمان بوده است. پس از جنگ جهانی اول، شورای قیمومیت جامعه ملل، قیمومیت فلسطین را به انگلستان سپرد و دولت انگلستان بعد از نزدیک به سه دهه قیمومیت بر این سرزمین، در اثر مهاجرت گسترده یهودیان^۲ و ناآرامی‌هایی که سازمانهای صهیونیستی در فلسطین ایجاد کرده بودند و همچنین برخی توافقهای پنهانی، طرح پایان دادن به حکومت سرپرستی را سرلوحه سیاست خود قرارداد و تصمیم گرفت که این مشکل را به سازمان نوپای جدید قیمومیت، یعنی سازمان ملل ارجاع دهد. ابتدا تصور می شد

* دانشجوی دکترای روابط بین الملل.

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی - آمریکا‌شناسی، سال پنجم، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۲، ص ص ۱۷۶ - ۱۴۳.

که این قضیه به عنوان نخستین مسئله در دستور کار شورای امنیت، در کمترین زمان مورد حل و فصل قرار گیرد. «برایان اور کهارت»، معاون سابق سازمان ملل در این باره گفته است:^۲

«در جو خوش باورانه ما تصور بر این بود که راه حل مسئله فلسطین، یک یا حداکثر دو ماه دست یافتنی است، غافل از اینکه مشکل فلسطین، توسعه و پیشرفت سازمان ملل را از سال ۱۹۴۸ تاکنون، تحت شعاع خود قرار می دهد. تقریباً هر کسی که خود را درگیر این موضوع خطیر - که ریشه در اعتقادات طرفین دارد - کرده، بهای گزافی برای آن پرداخته است. طی سالها درگیری، این موضوع، تصور عمومی را نسبت به این سازمان تغییر داده است و بیش از هر موضوع دیگری به حیثیت و اعتبار آن لطمه زده است.»

سازمان ملل به دلایل مختلف - که مهمترین آن، دخالت قدرتهای بزرگ به ویژه ایالات متحده آمریکا در شورای امنیت به نفع رژیم صهیونیستی بوده است - در طول بیش از نیم قرن در قضیه فلسطین، ناموفق و ناکارآمد عمل کرده است و به اعتراف اور کهارت همین مسئله از جمله دلایل زیر سؤال رفتن اعتبار سازمان ملل شده است. پس از گذشت چند دهه، همگان متوجه شدند که حل مشکل فلسطین توسط سازمان ملل - با وجود مشکلات عدیده ای که بر سر راه آن است - چندان هم کار ساده ای نیست. «کورت والدهایم»، دبیر کل اسبق سازمان ملل در این باره گفته است:^۳

«دشوارترین مسئله ای که تاکنون سازمان ملل با آن مواجه بوده است، مسئله برقراری صلح در خاورمیانه بود؛ ما سالهاست در این باره مذاکره کرده ایم، ولی هیچ نتیجه ای به دست نیامده است. وضعیت نابسامانی علیه فلسطین وجود دارد و شورای امنیت قطعنامه های بسیاری در این زمینه تهیه کرده که متأسفانه حق و تومن از تصویب و اجرای آنهاست.»

با توجه به مطالب بالا، این مقاله به دنبال پاسخ گویی به سه پرسش زیر است:

۱. مهمترین اقدامات و به ویژه قطعنامه های سازمان ملل و به ویژه شورای امنیت - به عنوان رکن اصلی مسئول حفظ صلح و امنیت بین المللی - درباره حل و فصل مسالمت آمیز قضیه فلسطین، چه بوده است؟

۲. در این پروسه تاریخی، در اقدامات سازمان و به ویژه شورای امنیت، چه تحولاتی به

وجود آمده و تحلیل محتوایی مهمترین قطعنامه های شورا به چه صورت است؟

۳. مواضع ایالات متحده آمریکا در این پروسه تاریخی در سازمان ملل و به ویژه در شورای امنیت درباره قضیه فلسطین چه بوده و چه تحولاتی رخ داده و چه تأثیری بر کارآمدی سازمان ملل داشته است؟

برای تسهیل در کار، سالهای ۱۹۴۶ تاکنون به چهار مقطع تاریخی تقسیم شده است و در هر مقطع به سه پرسش پاسخ داده شده و در پایان نیز نتیجه گیری شده است.

۱. مقطع نخست (۱۹۴۶ تا ۱۹۷۳)

۱-۱. اطلاعات آماری و تاریخی

در این دوره زمانی، شورای امنیت در مجموع، ۳۳۷ قطعنامه صادر کرد که ۶۳ مورد آن درباره قضیه فلسطین بود (نگاه کنید به جدول شماره ۱) این آمار نشان می دهد که قضیه فلسطین در این دوره بیش از نوزده درصد یعنی یک پنجم توجه شورای امنیت را به خود اختصاص داده است. به دنبال تصمیم انگلستان مبنی بر واگذاری قضیه فلسطین به سازمان ملل، این کشور در تاریخ دوم آوریل ۱۹۴۷ درخواست کرد که قضیه فلسطین در دستور کار این سازمان قرار گیرد. پنج کشور عربی از مجمع عمومی درخواست کردند که مسئله فلسطین در چارچوب خاتمه قیمومیت انگلستان بر فلسطین با اعلام تشکیل استقلال آن حل شود، ولی مجمع عمومی به درخواست انگلستان مبنی بر تشکیل کمیته ویژه فلسطین جامه عمل پوشانید و به این ترتیب، مجمع عمومی سازمان ملل در نخستین نشست ویژه که در تاریخ ۲۸ آوریل ۱۹۴۷ داشت، کمیته ای ویژه برای فلسطین (UNSCOP)* تأسیس کرد. این کمیته مرکب از یازده عضو بود که نهایتاً میان آنان در صدور رأی نهایی، اختلاف افتاد به این ترتیب که سه عضو (عراق، هند و یوگسلاوی) از تشکیل یک فدرالیسم، مرکب از یهودیان و اعراب به مرکزیت بیت المقدس حمایت کردند. در مقابل این نظر، اکثریت اعضا (کانادا، چک و اسلواکی، گواتمالا، پرو، سوئد و اروگوئه)، نظریه تفکیک سرزمین میان اعراب و یهودیان

*United Nations Special Committee on Palestine

را ارایه کردند.^۵ این نظریه، نهایتاً در قالب قطعنامه ۱۸۱ توسط مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ صادر شد. این قطعنامه نخستین قطعنامه مهمی بود که توسط سازمان ملل برای حل و فصل قضیه فلسطین صادر شد. پس از صدور این قطعنامه در چهاردهم می ۱۹۴۸، قیمومیت بریتانیا بر فلسطین به پایان رسید و روز بعد از آن، کشور اسرائیل اعلام موجودیت نمود. کشورهای عربی که از صدور قطعنامه ۱۸۱ ناراضی بودند، با اعلام موجودیت کشوری به نام اسرائیل، بلافاصله حمله خود را به این کشور تازه تأسیس آغاز کردند. با اوج بحران در خاورمیانه، شورای امنیت مجبور شد که در همین سال به یکباره بیش از شانزده قطعنامه در این باره صادر کند؛ حادثه‌ای که تنها در سال ۱۹۸۲ و حمله اسرائیل به جنوب لبنان، مجدداً توسط شورای امنیت تکرار شد. دیگر حوادث مهم تاریخی این دوره، عبارت بودند از: اعلام تشکیل دولت اسرائیل و حمله کشورهای عربی به اسرائیل در سال ۱۹۴۸؛ عضویت اسرائیل در سازمان ملل متحد؛ قتل برنادوت، نماینده سازمان ملل در فلسطین (۱۹۴۸)؛ بحران کانال سوئز (۱۹۵۶)؛ جنگ ۱۹۶۷؛ جنگ ۱۹۷۳.

۲-۱. مهمترین قطعنامه‌ها

قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی

شاید بتوان این قطعنامه را مهمترین قطعنامه سازمان ملل درباره قضیه فلسطین به شمار آورد، چرا که اسرائیل با استناد به این قطعنامه، اعلام موجودیت کرد. این قطعنامه با رایزنی‌ها و حمایت‌های ایالات متحده آمریکا در مجمع عمومی با رأی دو سوم اعضا تصویب و صادر گردید. در این قطعنامه، زمان پایان قیمومیت فلسطین، حداکثر تا اوت ۱۹۴۸ مقرر گردید. همچنین تأسیس حکومت مستقل عربی و یهودی و رژیم مخصوص بین‌المللی شهر بیت المقدس، دو ماه پس از تخلیه کامل نیروهای مسلح دولت قیم و حداکثر تا اول اکتبر ۱۹۴۸ تعیین شد. برپایه این قطعنامه، یهودیان که پیش از این کمتر از شش درصد سرزمین فلسطین را در اختیار داشتند به یکباره صاحب بیش از ۵۶ درصد کل سرزمین‌های فلسطین شدند. اشکالات حقوقی زیادی از آن هنگام تاکنون بر این قطعنامه وارد شده که از حوزه بحث

این نوشته خارج است.^۷ خلاصه اینکه، این قطعنامه به رژیم اسرائیل، مشروعیت قانونی داد و تمام فعالیت‌های بعدی سازمان ملل را در مورد مسئله فلسطین تحت شعاع خود قرار داد. به گفته آبا ابان (نخست وزیر پیشین اسرائیل) «اسرائیل، نخستین کشوری بود که توسط سازمان ملل متحد متولد شد.»

قطعنامه ۱۹۴ مجمع عمومی

این قطعنامه در تاریخ یازدهم دسامبر ۱۹۴۸ درباره تشکیل کمیسیون آستی، رژیم بین المللی بیت المقدس و بازگشت آوارگان از سوی مجمع عمومی صادر شد.^۸ در این قطعنامه، مجمع پس از قدردانی از تلاش‌های برنادوت، میانجی مقتول، در بند سوم آن، دستور تشکیل کمیسیونی مرکب از سه کشور عضو سازمان را برای حل مشکل فلسطین می دهد. کمیسیون تشکیل شد و پیشنهادهایی هم ارائه گردید، ولی نهایتاً اسرائیل تسلیم پیشنهادهای کمیسیون نشد و از اجرای قطعنامه های مجمع عمومی و دستورهای کمیسیون سر باز زد. کمیسیون در سومین گزارش خود مجدداً اعلام کرد که نتوانسته است موافقت اسرائیل را برای اعاده حقوق پناهندگان فلسطینی جلب کند. نهایتاً کار این کمیسیون نیز بدون نتیجه پایان یافت. «هنری کتان» درباره این کمیسیون گفته است:^۹

«قطعنامه ای که کمیسیون برای افزایش یک توافق مسالمت آمیز نسبت به آینده فلسطین تدارک دید، هنوز در بایگانی سازمان ملل به عنوان هدف اصلی حل مسئله فلسطین وجود دارد.»

قطعنامه ۲۳۷ شورای امنیت

این قطعنامه پس از حمله اسرائیل در پنجم ژوئن ۱۹۶۷ به مصر صادر گردید.^{۱۰} در این قطعنامه از اسرائیل خواسته شد که برپایه کنوانسیونهای ژنو مورخ دوازدهم اوت ۱۹۴۱، به حقوق بشر دوستانه در سرزمینهای اشغالی احترام گذاشته شود و اسرائیل باید امنیت ساکنان مناطق اشغال شده را رعایت نماید. این قطعنامه از پیش با شکست مواجه شد، چرا که اسرائیل از پذیرش نماینده دبیر کل سازمان ملل امتناع کرد.

قطعهنامه ۲۴۲ شورای امنیت

در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷، شورای امنیت، یکی از مهمترین قطعهنامه‌های تاریخی خود را در مورد وضعیت اعراب و اسرائیل صادر کرد.^{۱۱} در این قطعهنامه، شورا با ابراز نگرانی از وضعیت وخیم خاورمیانه، طرح صلح جامعی ارائه داد. از آن جمله به غیرقانونی بودن تحصیل (تصرف) زمین به وسیله جنگ و نیاز به استقرار صلحی پایدار در منطقه تأکید کرده، می‌گوید که کشورهای عضو با پذیرش منشور، باید مطابق با ماده دو آن عمل نمایند. در این قطعهنامه، تنها به تخلیه مناطق اشغالی جنگ سال ۱۹۶۷ اشاره شده و از مناطق اشغالی سال ۴۸ و ۴۹ توسط اسرائیل، هیچ نامی برده نشده است، که در واقع به مفهوم تصدیق و تأیید اشغال آن سرزمینها توسط رژیم صهیونیستی و دیگر تجاوزات اسرائیل تا پیش از سال ۱۹۶۷ است و این در حالی است که بر طبق گزارش سازمان ملل پس از جنگ سال ۱۹۶۷ در مجموع، ۱٫۵ میلیون نفر از مردم فلسطین آواره شده، خانه و سرزمین خود را از دست دادند.^{۱۲}

۱۴۸

قطعهنامه ۳۳۸ شورای امنیت

در تاریخ اکتبر ۱۹۷۳ - بر خلاف سه جنگ گذشته که نیروهای اسرائیلی آغاز کننده جنگ بودند - نیروهای مصری به منظور بازپس گیری سرزمینهای اشغالی به اسرائیل حمله کردند. شورای امنیت در هشتم اکتبر تشکیل جلسه داد و نهایتاً در ۲۲ اکتبر سال ۱۹۷۳ به پیشنهاد آمریکا و شوروی و بدون حضور چین، شورای امنیت قطعهنامه شماره ۳۳۸ را درباره وضعیت جنگی اعراب و اسرائیل به تصویب رسانید.^{۱۳} در این قطعهنامه از طرفین درخواست شد که عملیات نظامی خود را متوقف کرده، همچنین مفاد قطعهنامه ۲۴۲ را رعایت نمایند.

۱-۳. موضع گیریهای ایالات متحده آمریکا

با توجه به اینکه وتوهای ایالات متحده بر روی قضیه فلسطین از سال ۱۹۷۲ شروع شده است و دومین وتو، هم در سال بعد (۱۹۷۳) بوده، بنابراین، در طول این مدت ۲۷ ساله، ایالات متحده تنها دوبار بر روی قضیه فلسطین در شورای امنیت متوسل به وتو شد. (نگاه کنید به

جدول شماره ۲) ولی باید یادآور شد که حمایت‌های آمریکا در این دوره از اسرائیل در سازمان ملل متحد، محدود به همین دو وتو نمی‌شود. ایالات متحده برای تصویب قطعنامه ۱۸۱، رایزنی‌های زیادی در مجمع عمومی انجام داد. همچنین در شناسایی کشور جدید التاسیس اسرائیل، در قضیه عضویت اسرائیل در سازمان ملل و بسیاری موارد دیگر، آمریکا، پشتیبان جدی اسرائیل در سازمان ملل بوده است. تنها موردی که در این دوره به صورت یک استثنا، ایالات متحده جانب اسرائیل را نگرفت، قضیه کانال سوئز (۱۹۵۶) بود که هنوز هم جای ابهام و پرسش دارد.

۱-۴. نظریه

به طور خلاصه باید گفت که مشخصه اصلی و ویژگی خاص قطعنامه‌های صادر شده از سوی سازمان ملل در این دوره، «جامعیت قطعنامه‌ها» و «جدیت سازمان ملل» برای حل و فصل مسالمت آمیز این منازعه بوده است. به نحوی که بیشتر قطعنامه‌های این دوره، همچون قطعنامه‌های ۱۹۴-۱۸۱ مجمع عمومی و به ویژه قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت، حاوی طرح و برنامه‌هایی مشخص برای به سامان رسانیدن بحران اعراب-اسرائیل است. این قطعنامه‌ها عمدتاً به صورت پایه و مبنایی برای قطعنامه‌های بعدی سازمان در سالهای بعد قرار گرفتند. شاید بتوان چنین نتیجه‌گیری کرد که این جدیت سازمان و این قطعنامه‌های جامع، برای صلح از سوی سازمان ملل در این دوره، معلول دو عامل بوده است.

۱. هم بحران، تازگی داشت و هم سازمان نوپای جدید، پرنرژی و به دنبال موفقیت بود. به گفته اورکهارت (معاون پیشین دبیرکل سازمان ملل)، سازمان ملل، این بحران را نخستین آزمون جدی برای خود تلقی می‌کرد، بنابراین، با جدیت امیدوار بود آن را حل و فصل نماید؛ ۲. ایالات متحده هنوز به سلاح وتو در شورا - علیه قطعنامه‌هایی که با منافع و مصالح اسرائیل منطبق نبود و آن رژیم را به نحوی محکوم کرد - متوسل نشده بود، بنابراین، شورا در این دوره، فارغ از وتوهای ایالات متحده فرصتی یافت که قطعنامه‌هایی مانند قطعنامه ۱۹۴ که خواهان عقب‌نشینی اسرائیل از مناطق اشغال شده فلسطین است و یا قطعنامه ۲۳۷ که مؤکداً از اسرائیل رعایت حقوق بشر دوستانه را خواستار می‌گردد، تصویب و صادر نماید.

۲. مقطع دوم (۱۹۷۴ تا ۱۹۹۱)

۲-۱. اطلاعات آماری و تاریخی

۱۵۰

پایان سال ۱۹۷۳ را می‌تون از سه جهت پایان یک مقطع و آغاز مقطع جدیدی دانست. این سال را می‌توان پایان جنگهای منظم کشورهای عربی و اسرائیل به حساب آورد. بعد از شکست مجدد کشورهای عربی در جنگ سال ۱۹۷۳، به تدریج کشورهای عربی خود را آماده کردند که واقعیت تلخی به نام اسرائیل را در کنار خود بپذیرند. مصر نخستین کشوری بود که با عقد پیمان کمپ دیوید در سال ۱۹۷۸ عملاً خود را از جرگه مبارزه با اسرائیل کنار کشید. از سوی دیگر، مقطعی است که در آن بزرگترین سازمانهای مبارز فلسطینی از جمله سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO) به تدریج تغییر استراتژی داده، به منظور حل و فصل منازعه از مبارزه نظامی به سمت مذاکرات سیاسی تمایل پیدا کردند. سازمانهای مبارز فلسطینی از این مقطع به بعد از یک جنبش مبارزاتی به یک جنبش راکد، اداری و بوروکراتیک - که مترصد شکار کمکهای بین‌المللی بود - تبدیل شدند.^{۱۴} نهایتاً، مقطعی است که در آن ایالات متحده آمریکا، دیگر به کمکها و حمایتهای اقتصادی، نظامی خود به اسرائیل و همچنین رایزنیهها و حمایتهای دیپلماتیک خود و سازمان ملل به نفع اسرائیل بسنده نکرده، سلاح و تودر شورای امنیت را به نفع اسرائیل به کار انداخت. تا قبل از این تاریخ، ایالات متحده چندان بر ابزار و تودر متوسل نشده بود، ولی از این تاریخ به بعد، تمام قطعنامه‌هایی که در شورای امنیت به نوعی منافع اسرائیل را به خطر می‌انداخت، سریعاً با وتوی ایالات متحده مواجه شد. از شروع سال ۱۹۷۴ تا پایان سال ۱۹۹۱، شورای امنیت مجموعاً ۳۸۱ قطعنامه صادر کرد که از این میان، ۱۱۷ مورد درباره قضیه فلسطین بود. (نگاه کنید به جدول شماره ۱) این رقم نشان می‌دهد که در این دوره زمانی مشخص، شورای امنیت ۳۱ درصد (چیزی نزدیک به یک سوم) از کل فعالیتهای خود را به حل و فصل بحران فلسطین اشغالی اختصاص داده است.

در این دوره هفده ساله در قیاس با دوره بیست و هفت ساله نخست، هر چند فعالیتهای شورا در مجموع رشدی نسبی داشته است، ولی فعالیت شورا درباره قضیه فلسطین، رشد بسیار بالاتر (دوازده درصد بیشتر از دوره نخست) را نشان می‌دهد. مهمترین وقایع تاریخی

این دوره، عبارت بود از سازش مصر با اسرائیل در کمپ دیوید (سال ۱۹۷۸)، حمله گسترده ارتش اسرائیل به جنوب لبنان و کشتار مردم بی دفاع (سال ۱۹۸۲) و شروع انتفاضه نخست مردم فلسطین (سال ۱۹۸۷)، شروع مذاکرات صلح در مادرید (اکتبر سال ۱۹۹۱).

۲-۲. مهمترین قطعنامه‌ها

مهمترین اقدامات سازمان ملل در این دوره، قطعنامه‌هایی بود که توسط مجمع عمومی صادر شد و شاید بتوان گفت که مهمترین قطعنامه شورا در این دوره زمانی، تنها قطعنامه ۴۲۵ است.

قطعنامه شماره ۳۲۱۰ مجمع عمومی

این قطعنامه در تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۹۷۴ به تصویب رسید^{۱۵} و در آن «ساف» به عنوان نماینده مردم فلسطین به رسمیت شناخته شده، از آن دعوت شد تا در جلسات مجمع عمومی به عنوان ناظر شرکت نماید.

قطعنامه شماره ۳۳۷۶ مجمع عمومی

قطعنامه مزبور در تاریخ دهم نوامبر تصویب شد.^{۱۶} طبق آن، مجمع عمومی تصمیم گرفت تا «کمیته اجرایی حقوق تفکیک ناپذیر مردم فلسطین» را تشکیل دهد. این کمیته ابتدا بیست عضو داشت که در سال ۱۹۷۶ به بیست و سه عضو رسید. کمیته به دنبال برنامه‌ای بود که فلسطینی‌ها را برای اعمال حقوق تفکیک ناپذیرشان قادر سازد. این کمیته که بعدها به دو بخش تقسیم شد، موفق شد پیشنهادهای خوبی ارائه نماید، ولی هیچگاه پیشنهادهای آن عملی نشد.

قطعنامه شماره ۳۳۹۷ مجمع عمومی

به دلیل تبعیضاتی که اسرائیل علیه اعراب فلسطین اعمال می‌کرد، مجمع در این

قطعنامه که در تاریخ دهم نوامبر ۱۹۷۵ صادر شد،^{۱۷} صهیونیسم را شکلی از نژادپرستی خواند. این قطعنامه که با همکاری کشورهای عربی - اسلامی و شماری از کشورهای جهان سوم به تصویب رسید، مورد اعتراض ایالات متحده واقع شد، به نحوی که این کشور تهدید به قطع کمکهای مالی خود به سازمان ملل نمود. نهایتاً در اثر فشارهای آمریکا و اسرائیل این قطعنامه در تاریخ شانزدهم دسامبر ۱۹۹۱ توسط مجمع عمومی لغو شد.^{۱۸} از دیگر اقدامات سازمان ملل درباره مسئله فلسطین در سال ۱۹۷۷، اقدام مجمع عمومی در تشکیل اداره‌ای به نام «واحد ویژه برای حقوق فلسطینی‌ها» در دبیرخانه سازمان ملل بود. این واحد، جهت کمک به اجرای حقوق تفکیک ناپذیر مردم فلسطین تشکیل شد و در سال ۱۹۷۹ به صورت بخشی از دبیرخانه سازمان ملل درآمد.

قطعنامه شماره ۴۲۵ شورای امنیت

این قطعنامه که در تاریخ هفدهم مارس ۱۹۷۸ از سوی شورای امنیت صادر شد،^{۱۹} یکی از مهمترین قطعنامه‌های سازمان ملل درباره مسئله فلسطین محسوب می‌شود، قطعنامه مزبور که در واکنش به اشغال بخشی از جنوب لبنان توسط نیروهای اسرائیلی صادر شد، طرح جامعی مبتنی بر تمامیت ارضی لبنان و عقب نشینی اسرائیل از مناطق اشغالی جنوب این کشور و همچنین استقرار نیروهای حافظ صلح جدید به نام «نیروی موقت ملل متحد در لبنان» (Unifil) به منظور تأیید عقب نشینی کامل نیروهای اسرائیل از جنوب لبنان، است.

قطعنامه شماره ۳۴,۶۵۳ مجمع عمومی

در این قطعنامه که در تاریخ ۲۱ نوامبر ۱۹۷۹ صادر شد،^{۲۰} مجمع عمومی سازمان ملل در واکنشی به انعقاد قرارداد کمپ دیوید به مخالفت با آن برخاسته است، به دلیل اینکه موافقتنامه حق تعیین سرنوشت اعراب فلسطین را نادیده گرفته است.

در این قطعنامه که در اوت ۱۹۸۰ صادر شد،^{۲۱} شورا، اقدام اسرائیل را در اعلام شهر بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل، اقدامی غیرقانونی و تجاوز کارانه خواند. همچنین از حوادث دیگر، می توان به اقدام مجمع عمومی در برپایی کنفرانس صلح خاورمیانه در دفتر اروپایی سازمان ملل، در تاریخ ۲۹ اوت تا هفتم دسامبر ۱۹۸۳ اشاره کرد که ۱۳۷ کشور به همراه ساف و همچنین ۲۵ سازمان بین المللی و ۱۰۴ سازمان غیردولتی در آن شرکت داشتند. در تاریخ چهارم ژوئن ۱۹۸۲، اسرائیل حمله گسترده ای را به جنوب لبنان آغاز کرد و شورای امنیت با صدور قطعنامه های ۵۰۸، ۵۰۹، تنها فرمان آتش بس و عقب نشینی اسرائیل به مرزهای خود را اعلام نمود. از آنجا که اسرائیل اطمینان داشت این قطعنامه ها ضمانت اجرایی ندارد، کمترین وقعی به آن نهاد و چند ماه بعد شانزدهم سپتامبر ۱۹۸۲، مجدداً حملات خود را از سر گرفت. تعلق شورای امنیت در قبال مسئله فلسطین و مخصوصاً اشغال لبنان به حدی بود که مجمع عمومی در تاریخ هشتم سپتامبر ۱۹۸۲، طی قطعنامه ۳۷/۸۳ ضمن تذکر، از شورای امنیت خواست که به مسئولیت خود در مقابل منشور عمل نماید.^{۲۲} به همین جهت، شورا مجدداً در شانزدهم سپتامبر طی قطعنامه ۵۲۰ همان در خواستهای قبلی را تکرار کرد و خواستار عقب نشینی اسرائیل شد.^{۲۳} حمله بی رحمانه اسرائیل به جنوب لبنان و واکنش ضعیف سازمان ملل در این باره، موجب توجه بیشتر افکار عمومی جهانی به مسئله فلسطین شد. بنابراین، به دنبال تلاش سازمان ملل در سال ۱۹۸۵، تشکیل کنفرانس صلح خاورمیانه، محور بحث جهانی شد و به دنبال آن، بیشتر سازمانهای بین المللی و منطقه ای دنیا در این سال با صدور اطلاعیه و بیانییه هایی گوناگون، خواستار برپایی کنفرانس صلح و حل و فصل قطعی مشکل فلسطین شدند. از سوی دیگر در سال ۱۹۸۷ به مناسبت هفتادمین سالگرد اعلامیه بالفور، چهلمین سالگرد قطعنامه ۱۸۱ و طرح تقسیم فلسطین، بیستمین سالگرد جنگ ۱۹۶۷ و پنجمین سالگرد کشتار اردوگاههای «صبرا و شتیلا» در غرب بیروت در سپتامبر ۱۹۸۲، کمیته فلسطین سازمان ملل پیشنهاد کرد که برای زنده نگه داشتن یاد این مناسبتها، سال ۱۹۸۷، «سال مردم فلسطین» نامیده شود.^{۲۴}

این قطعهنامه که در تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۸۷ صادر شد،^{۲۵} نخستین واکنش شورا نسبت به شروع انتفاضه نخست بود که چند روز قبل، جرقه آن زده شده بود. در این قطعهنامه شورای امنیت ضمن محکوم کردن تیراندازی ارتش اسرائیل به سوی غیرنظامیان فلسطینی، خواستار آتش بس فوری از طرفین شد. از حوادث دیگر سال ۱۹۸۸، تشکیل چهل و سومین نشست مجمع عمومی در ژنو بود. مجمع عمومی به دلیل مخالفت آمریکا با صدور ویزا برای عرفات مجبور شد نشست خود را در ژنو برگزار کند تا امکان حضور عرفات هم میسر گردد. در این نشست، چندین قطعهنامه درباره وضعیت فلسطین صادر شد که مهمتری آن، قطعهنامه ۴۳/۱۷۷ بود. برپایه قطعهنامه مزبور، مجمع تصمیم گرفت ضمن تصدیق و تأثیر اعلامیه تأسیس دولت مستقل فلسطین که در همان تاریخ توسط شورای ملی فلسطین - PNC اعلام شده بود - از آن پس به جای استفاده از نام PLO (ساف) در سیستم سازمان ملل، از کلمه فلسطین استفاده کند.^{۲۶} این ارتقای ساف از یک سازمان ناظر، به یک عضو ناظر بود که البته هنوز تا عضو رسمی فاصله داشت. پس از این قطعهنامه، شورا در سال بعد به فلسطین اجازه داد برای شرکت در بحث ویژه شورا، خود مستقیماً درخواست و اقدام کند. (پیش از این یک کشور سوم باید درخواست می کرد.) با وضعیت و شرایط جدید، فلسطین خواستار عضویت در برخی از نهادهای تخصصی سازمان ملل شد، ولی آمریکا تهدید کرد که اگر فلسطین عضو سازمانهای بین المللی شود، کمکهای خود را به آن سازمانها قطع خواهد کرد.

قطعهنامه ۶۴۱ شورای امنیت

در سی ام اوت ۱۹۸۹ شورای امنیت با صدور قطعهنامه ۶۴۱، ضمن ابراز همدردی با آوارگان فلسطینی، اسرائیل را به رعایت کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ فراخواند. همچنین، این قطعهنامه به اسرائیل دستور می دهد که مقدمات بازگشت آوارگان مناطق اشغالی را فراهم سازد و امنیت شهروندان را تأمین کرده، مناطق اشغالی را تخلیه نماید.^{۲۷} به همین دلیل، کمیته فلسطین روز ۲۹ نوامبر (هشتم آذر) هر سال را به عنوان روز همبستگی با مردم

فلسطین اعلام نمود. نهایتاً پس از سالها تلاش سازمان ملل و صدور قطعنامه های مکرر برای تشکیل کنفرانس صلح خاورمیانه، بالاخره نخستین دور این نشست - در حالی که سکان هدایت آن از دست سازمان ملل خارج شده، به دست ایالات متحده افتاده بود - تحت عنوان کنفرانس مادرید در سی ام ۱۹۹۱، در شهر مادرید اسپانیا به بار نشست.

۲-۳. موضع گیریهای ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده در این دوره هفده ساله دوم به شدت به سلاح وتو متوسل شد و ماشین شورای امنیت را درباره فلسطین از کار انداخت. در طول این مدت، ایالات متحده، ۲۷ بار قطعنامه های شورای امنیت را درباره قضیه فلسطین وتو کرد. (نگاه کنید به جدول شماره ۲) بیش از ۸۲ درصد کل وتوهای آمریکا بر روی قضیه فلسطین در همین دور دوم انجام گرفت. ایالات متحده در وتوی قطعنامه های شورا (که علیه منافع اسرائیل بود)، هیچ محدودیتی برای خود قایل نبود. به عنوان مثال، در حالی که در سال ۱۹۸۲ با حمله اسرائیل به جنوب لبنان و کشتار مردم بی دفاع توسط اسرائیل، یک تراژدی هولناک بشری در حال اجرا بود و از سوی چشم جهانیان در وهله نخست به سازمان ملل و به ویژه شمشیر آن، یعنی شورای امنیت برای توقف این تراژدی و اجرای عدالت، با نگرانی دوخته شده بود، ایالات متحده در طول یک سال شش بار قطعنامه های شورا را در این باره وتو کرد و شورا را بدین وسیله فلج ساخت. در طول سال ۱۹۸۸ نیز به همین ترتیب، ایالات متحده با پنج بار وتوی قطعنامه ها عملاً دست شورا را برای جلوگیری از کشتارهایی که پس از شروع انتفاضه نخست در فلسطین، توسط ارتش اسرائیل به راه انداخته بود، بست.

۲-۴. نظریه

در تحلیل قطعنامه های این دوره باید گفت که هر چند از نظر کمیت و تعداد، قطعنامه های این دوره شورا رشد بیشتری نسبت به تعداد قطعنامه های دوره نخست داشته است، اما غیر از قطعنامه ۴۲۵ - که طرحی جامع برای عقب نشینی اسرائیل از جنوب لبنان

بود. شورا در این دوره هفده ساله هیچ قطعنامه مهم دیگری صادر نکرد. در واقع محتوای بیشتر قطعنامه های تکراری این دوره شورا، درخواست از طرفین درگیر برای آتش بس، درخواست از اسرائیل برای رعایت مفاد کنوانسیون چهارم ژنو سال ۱۹۴۹ درباره شهروندان غیرنظامی و دعوت از طرفین برای صلح و آرامش و درخواست برای برپایی کنفرانس صلح خاورمیانه بوده است. علت عدم موفقیت شورا در این دوره را می توان به دو عامل نسبت داد: ۱. وتوهای مکرر ایالات متحده آمریکا (که توضیح داده شده)؛ ۲. عدم جدیت شورا برای حل و فصل قطعی بحران.

در واقع، پس از دوره طولانی ۲۷ ساله نخست، در مقطع دوم، شورای امنیت به نوعی به بحران خاورمیانه و منازعه اعراب - اسرائیل «عادت» کرد. شورا با مشاهده نقض مکرر قطعنامه های مکرر خود در دوره نخست توسط اسرائیل حتی مخالفت اعراب و فلسطینی ها با برخی دیگر از قطعنامه های شورا (به عنوان مثال، ۱۸۱ مجمع عمومی و ۲۴۲ شورای امنیت) جدیت خود را برای حل و فصل قطعی بحران از دست داد و تنها به خاطر رفع تکلیف، اقدام به صدور درخواستی برای آتش بس در قالب یک قطعنامه می کرد؛ به همین دلیل، سکان هدایت بحران در دوره دوم تا حدود زیادی به دست مجمع عمومی افتاد. برخلاف شورای امنیت، در مجمع عمومی، به دلیل کثرت اعضا و همچنین حضور نمایندگان از کشورهای جهان سوم، کشورهای عربی - اسلامی و به ویژه گروه ۷۷، تا حد زیادی کار برای اعمال نفوذ ایالات متحده و اسرائیل مشکلتر بود. از سوی دیگر از آنجا که وظیفه حفظ صلح از وظایف شورای امنیت است و مجمع عمومی نیز از اقدامات شورا درباره فلسطین رضایت نداشت در تاریخ یازدهم سپتامبر ۱۹۶۷، ۵۶ دولت عضو مجمع عمومی، پیشنهاد کردند که مشکل فلسطین مشمول دستورالعمل مجمع عمومی قرار گیرد.^{۲۸} بر همین اساس، در دوره دوم فعالیت، مجمع عمومی در این باره، رشد بیشتری نشان می دهد. با این توضیح که هر چند قطعنامه های مجمع عمومی برخلاف شورا الزام آور نیست، ولی مجمع قطعنامه های مفیدی در این باره صادر کرد و از نظر جلب افکار عمومی جهان، مؤثر واقع شد.

۱-۳. اطلاعات آماری و تاریخی

آمار نشان می‌دهد که در دهه ۱۹۹۰، از هنگام پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی تا پیش از شروع انتفاضه دوم، یعنی در عرض کمتر از نه سال، شورای امنیت، ۶۰۵ قطعنامه صادر کرد که از این میان، سهم قطعنامه‌های مربوط به فلسطین تنها چهل مورد بوده است. اوج فعالیت شورا در سال ۱۹۹۳ بود که ۹۲ قطعنامه صادر کرد. به طوری که این رقم، نه پیش و نه پس از آن سال تاکنون تکرار نشده است. (نگاه کنید به جدول شماره ۱) این ارقام به وضوح، گویای این مطلب است که در دهه نود مسئله فلسطین تنها ۶٫۶ درصد از توجه و فعالیت شورای امنیت را به خود اختصاص داده بود و این در حالی است که ۴۵ سال پیش از آن، مسئله فلسطین ۲۶ درصد از توجه و فعالیتها و قطعنامه‌های شورا را به خود اختصاص داده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به سابقه امر، مسئله فلسطین در دهه نود از مسایل اصلی در دستور کار شورای امنیت نبوده، کلاً در حاشیه قرار داشته است. از مهمترین حوادث تاریخی این دهه از حیات فلسطین می‌توان به فرآیند صلح خاورمیانه که از مذاکرات مادرید شروع شد، قرارداد اسلو، شرم‌الشیخ، وای ریور و ... اشاره کرد. دبیر کل وقت سازمان ملل (دکوئیار) در گزارش خود درباره مذاکرات مادرید گفته است:^{۲۹}

«اگر چه کنفرانس صلح مادرید که تحت نظارت و با مسئولیت آمریکا و شوروی سابق برگزار گردید خارج از برنامه‌های سازمان ملل بود، ولی اساساً منطبق بر قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۲۳۸ شورای امنیت است.»

مجمع عمومی نیز در تاریخ یازدهم دسامبر ۱۹۹۱، طی قطعنامه ۴۶/۷۵ از برپایی کنفرانس مادرید تحت توجه و حمایت سازمان ملل استقبال کرد.^{۳۰}

۲-۳. مهمترین قطعنامه‌ها

در این دوره نه ساله شورا، در یک فرآیند آهسته و تکراری، هر سال اقدام به صدور چهار یا پنج قطعنامه درباره قضیه فلسطین کرده است که در مجموع قطعنامه‌های بی‌شمار شورا در

این دهه (از شمار ۶۸۴ تا ۱۲۷۶) گم شده اند. (نگاه کنید به جدول شمار ۱)، در این دهه، هیچ قطعنامه مهمی - که قابلیت مقایسه با قطعنامه های پیشین - درباره قضیه فلسطین را داشته باشد - وجود ندارد. از جمله قطعنامه های شورا در این دهه، قطعنامه های ۶۲۶، ۸۹۵، ۹۲۱، ۱۲۳۳، ۱۲۴۵ و ۱۲۷۶ است که محتوای بیشتر آنها عبارت است از: تشویق طرفین به ادامه روند صلح، تأیید توافقات انجام گرفته و نهایتاً، تمدید حضور نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در مرزهای اسرائیل به ویژه در جنوب لبنان که معمولاً هر شش ماه یک بار تمدید می شدند. شروع عملیات این نیروها به سال ۱۹۴۸ برمی گردد. نخستین دسته از این نیروها، (یونتسو یا آنسو untso)^{۳۱} بود که به منظور نظارت بر حسن اجرای قرارداد ترک مخاصمه پس از نخستین جنگ اعراب - اسرائیل در پانزدهم مه ۱۹۴۸ شکل گرفت.^{۳۲} این نیروها ناظر بودند و اختیار ورود به درگیری را نداشتند. پس از درگیریهای سال ۱۹۵۶، نیروهای اضطراری سازمان ملل، یونف ۱ (unef1)،^{۳۳} که نخستین نیروهای پاسدار صلح بودند، در سرزمین فلسطین شکل گرفتند. این نیروها تا سال ۱۹۶۷ در منطقه بودند و به عنوان حایلی میان طرفین درگیر عمل می کردند. دومین گروه از این نیروها پس از جنگ سال ۱۹۷۳ با عنوان «یونف ۲» تشکیل شد و حضور آنان تا سال ۱۹۷۹ تمدید شد. علاوه بر یونف، نیروهای جدید با عنوان «نیروی ناظر بر جداسازی سازمان ملل» به اسم یوندوف (undof) در ژوئن ۱۹۷۴ نیز تشکیل شد. علاوه بر این نیروها در سال ۱۹۷۸، پس از حمله اسرائیل به جنوب لبنان، شورای امنیت برپایه قطعنامه ۴۲۵، نیروی جدید به نام «نیروی موقت سازمان ملل متحد در لبنان» به نام (unifil)،^{۳۴} به منظور تأیید عقب نشینی نیروهای اسرائیل از خاک لبنان را تشکیل داد،^{۳۵} که این نیروها همچنان در منطقه حضور دارند و اخیراً نیز پس از عقب نشینی کامل نیروهای اسرائیل از جنوب لبنان افزایش یافته است.

۳-۳. موضع گیریهای ایالات متحده آمریکا

آمریکا در دهه نود سه قطعنامه شورا درباره فلسطین را وتو کرد. (بار نخست در سال ۱۹۹۵ و دوبار هم در سال ۱۹۹۷)، (نگاه کنید به جدول شمار ۲) و این کاهش زیادی را

در میزان استفاده ایالات متحده از ابزار وتو در مقایسه با دوره های پیش نشان می دهد. این مسئله تنها ناشی از کاهش میزان فعالیتهای شورا درباره قضیه فلسطین در طول دهه نود نیست، بلکه عامل مهمتر، وضعیت جدید نظام بین المللی پس از جنگ سرد بود که موجب شد پس از فروپاشی شوروی، ایالات متحده به استفاده از ابزار وتو در شورای امنیت نیاز کمتری داشته باشد. آمار نشان می دهد در حالی که در دهه ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۵ آمریکا ۳۴ بار از ابزار وتو استفاده نموده و در دهه پس از آن، یعنی ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۵ نیز ۲۴ بار از وتو استفاده کرده، در دهه اخیر یعنی از ۱۹۹۶ تا کنون، تنها چهار بار از وتو استفاده کرده است.^{۳۶} (که البته سه بار آن هم بر روی قضیه فلسطین بوده است).

۳-۴. نظریه

در تحلیل وضعیت دهه نود و ارتباط آن با قضیه فلسطین در سازمان ملل باید گفت که با احتساب آمار قطعنامه های دو سال گذشته شورا، پس از جنگ سرد، (۱۹۹۰ تا کنون)، شمار قطعنامه های شورای امنیت به ۷۷۹ مورد می رسد (نگاه کنید به جدول شمار ۱) که این خود نشان می دهد که مجموع فعالیتهای شورا و به ویژه صدور قطعنامه های آن در طول یازده سال گذشته، در مجموع بیش از ۴۵ سال فعالیت شورای امنیت پیش از این تاریخ بوده است. این مسئله در بدو امر، دو دلیل می تواند داشته باشد: ۱. فروپاشی شوروی: فروپاشی شوروی سابق و چرخش نسبی روسیه به سوی غرب و پایان جنگ سرد، موجب شد تصمیم گیری در شورا راحت تر از دوران جنگ سرد انجام پذیرد؛ ۲. مسئله دوم، افزایش فوق العاده و تصاعدی بحرانهای بین المللی در دهه ۹۰ بود که طبیعتاً شورا را مجبور به تحرک و فعالیت و صدور قطعنامه های بیشتری می کرد.

مسایلی از جمله مسئله بحران یوگسلاوی سابق، بحران کوزوو، مسئله رواندا و مسئله عراق همگی موجب افزایش تصاعدی شورا و صدور قطعنامه های آن شد. اما برعکس افزایش فعالیت شورا در دهه نود، میزان توجه و فعالیت شورا در این دهه درباره قضیه فلسطین به شدت کاهش یافت. این مسئله معلول چندین عامل بود؛ از جمله: ۱. مهمترین دلیل، وجود

ایالات متحده آمریکا بود که سکان قضیه فلسطین را پس از جنگ سرد به دست گرفت. فروپاشی رقیب (شوروی) و ادعای برقراری نظم نوین جهانی از سوی بوش (پدر) و پیدایش دنیای تک قطبی موجب شد ایالات متحده در دهه نود، وجود اسرائیل را به عنوان واقعیتهای تلخ و چاره ناپذیر، برای اعراب و فلسطینی ها تثبیت نماید و نهایتاً فلسطینی ها را به پای میز مذاکره بکشاند. اعراب که ابتدا قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی و ۲۴۲ شورای امنیت را ناعادلانه می خواندند، اکنون منتظر بودند تا اسرائیل آنها را بپذیرد. با حمایت ایالات متحده، بالاخره اسرائیل نه تنها اعراب را در مادرید به پای میز مذاکره کشانید، بلکه حتی با تحکم، وجود هیأتی رسمی از سوی دولت خودگردان فلسطین را در مذاکره نپذیرفت و فلسطینی ها را مجبور ساخت در قالب هیأت اردنی در مذاکرات شرکت نمایند. نتیجه آنکه ایالات متحده در دهه نود کمتر اجازه می داد قضیه فلسطین وارد سازمان ملل و شورای امنیت شود، بلکه بیشتر خود سکان هدایت این بحران را به دست گرفت؛ ۲. در دهه ۹۰ پروسه صلحی که از مادرید شروع شد، باعث گردید اوضاع فلسطین به امید ثمربخش بودن مذاکرات صلح، در فاصله میان انتفاضه یکم و دوم، نسبتاً آرامتر باشد و همین عامل در کاهش نسبی توجه شورای امنیت به مسئله فلسطین طبیعتاً بی تأثیر نبوده است؛ ۳. گسترش روزافزون بحرانهای بین المللی پس از جنگ سرد، گرچه از سویی میزان فعالیت های شورا را به صورت تصاعدی بالا برد، اما از سوی دیگر، مسئله فلسطین را در سازمان ملل و به ویژه شورا، تحت الشعاع قرارداد و به حاشیه راند، چنانچه اگر مهمترین اخبار دهه نود سازمان ملل و به ویژه شورای امنیت بررسی شود مشخص می شود که مسئله عمده سازمان و شورا در این دهه، فلسطین نبوده است، بلکه عراق، رواندا، کوزوو و هاییتی بوده است.

۴. مقطع چهارم (۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ تا ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۲)

۴-۱. اطلاعات آماری و تاریخی

روند صلحی که به ابتکار آمریکا و با کمک سازمان ملل در مادرید شروع شده بود، در سپتامبر ۲۰۰۰ بی نتیجه پایان یافت. ورود شارون به محوطه حرم شریف در

۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰، موجب شروع مبارزات فلسطینی ها تحت عنوان انتفاضه دوم شد؛ انتفاضه ای که پس از گذشت دو سال همچنان شعله ور است. شروع انتفاضه دوم، باعث تحرک بیشتر سازمان ملل در ارتباط با این قضیه شد. در دو سال گذشته (۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ تا ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۲)، شورای امنیت مجموعاً ۱۱۴ قطعنامه صادر نمود که چهارده مورد آن درباره قضیه فلسطین است. (نگاه کنید به جدول شماره ۱) این آمار نشان می دهد که ۱۲٫۲ درصد کل قطعنامه های دو سال گذشته شورای امنیت درباره انتفاضه بوده که این رقم تقریباً دو برابر توجهی است که شورا در دهه نود به مسئله فلسطین داشت.

۴-۲. مهمترین قطعنامه ها

قطعنامه ۱۳۲۲ شورای امنیت

نه روز پس از شروع انتفاضه دوم، شورا قطعنامه ۱۳۲۲ را صادر نمود.^{۳۷} (۱۷ اکتبر ۲۰۰۰) در این قطعنامه، شورا با اشاره به برخی از قطعنامه های پیشین خود، با قربانیان حرم شریف در بیت المقدس در ۲۸ سپتامبر اظهار همدردی کرده، ضمن تشویق طرفین برای پذیرش صلح تأکید می نماید که اماکن مقدس در شهر بیت المقدس محترم هستند و هرگونه رفتاری خلاف آن، محکوم است. شورا در این قطعنامه ها اعمال خشونت بار از جمله استفاده از زور در مقابل فلسطینی ها را محکوم می کند.

قطعنامه ۱۳۲۸ شورای امنیت

در این قطعنامه که در تاریخ ۲۷ نوامبر ۲۰۰۰ صادر شد،^{۳۸} شورا، حضور نیروهای ناظر خود در مرزهای اسرائیل را به مدت شش ماه دیگر تمدید می کنند.

قطعنامه ۱۳۳۷ شورای امنیت

در این قطعنامه که در تاریخ سی ام ژانویه ۲۰۰۱ صادر شد،^{۳۹} شورا ضمن تمدید مدت استقرار نیروهای نظامی unifil منطقه، بر تمامیت، حاکمیت و استقلال سیاسی لبنان در

میان مرزهای شناخته شده بین المللی تأکید می کند. همچنین شورا از دولت لبنان می خواهد مناطق آزاد شده جنوب را تحویل گرفته، با اقتدار، آن را کنترل نماید.

قطعه نامه ۱۳۵۱ شورای امنیت

شورا در این قطعه نامه که در تاریخ سی ام مه ۲۰۰۱ صادر شد،^{۴۰} ضمن درخواست از طرفین برای رعایت قطعه نامه شماره ۳۳۸ مورخ ۲۲ اکتبر ۱۹۷۳ تصمیم می گیرد مدت استقرار نیروهای undof را تمدید کند و از دبیرکل می خواهد پیشرفت اجرای قطعه نامه را به شورا گزارش دهد.

۱۶۲

قطعه نامه ۱۳۶۵ شورای امنیت

شورا در این قطعه نامه که در تاریخ سی ام ژوئیه ۲۰۰۱ صادر شد،^{۴۱} دوباره بر مفاد قطعه نامه ۱۳۳۷ خود تأکید کرده، از طرفین می خواهد امنیت پرسنل unifil را تضمین نمایند. همچنین از ادامه تلاشهای unifil برای حفظ آتش بس در طول خطوط عقب نشینی شده حمایت می کند.

قطعه نامه ۱۳۸۱ شورای امنیت

شورا در این قطعه نامه که در تاریخ ۲۷ نوامبر ۲۰۰۱ صادر شد،^{۴۲} از طرفین می خواهد هر چه سریعتر، قطعه نامه ۳۳۸ شورای امنیت را اجرا نمایند. همچنین شورا مدت استقرار نیروهای undof را مجدداً به مدت شش ماه دیگر تمدید می کند و از دبیرکل می خواهد اجرای موارد گفته شد را به شورای امنیت گزارش کند.

قطعه نامه ۱۳۹۱ شورای امنیت

شورا در این قطعه نامه که در تاریخ ۲۸ ژانویه ۲۰۰۲ صادر شد،^{۴۳} مجدداً مفاد قطعه نامه های ۱۳۳۷ و ۱۳۶۵ خود را تکرار کرده، علاوه بر آنها از کشورها می خواهد که

کمک‌های خود را در این باره تنها از طریق تشکیل یک گروه حامی بین‌المللی - و نه مستقلاً - اعطا کنند.

قطعنامه ۱۳۹۷ شورای امنیت

شورا در این قطعنامه که در تاریخ دوازدهم مارس ۲۰۰۲ صادر شد،^{۴۴} با تأکید بر قطعنامه ۲۴۲ و ۳۳۸ بر دیدگاهی تأکید می‌کند که دو دولت فلسطین و اسرائیل در کنار هم، در امنیت و در میان مرزهای شناخته شده زندگی می‌کنند. شورا با تشویق تلاش‌های دیپلماتیک، به ویژه فرستاده آمریکا، روسیه، اتحادیه اروپا و هماهنگ کننده ویژه سازمان ملل متحد و دیگر دیپلماتها در جهت استقرار یک صلح پایدار و عادلانه در خاورمیانه و با اظهار خشنودی از مشارکت ویژه امیر عبدالله سعودی در این باره، از رهبران دو طرف می‌خواهد در جهت اجرای طرح کاری تنت (Tenet) و همچنین توصیه‌های میشل (Michell) به منظور از سرگیری مذاکرات برای یافتن راه‌حلهای سیاسی همکاری کنند.

۱۶۳

قطعنامه ۱۴۰۲ شورای امنیت

شورا در این قطعنامه که در تاریخ سی ام مارس ۲۰۰۲ صادر شد،^{۴۵} با اظهار نگرانی از بدتر شدن اوضاع در آینده از جمله بمب‌گذاریهای انتحاری در فلسطین و متقابلاً عملیات نظامی اسرائیل علیه مقر ریاست دولت خودگردان، طرفین را به آتش بس فوری فرا می‌خواند و از اسرائیل می‌خواهد نیروهای خود را از شهرهای فلسطین از جمله رام‌الله عقب براند. شورا همچنین از طرفین می‌خواهد تا با زینی (Zinni) فرستاده ویژه و دیگران در جهت اجرای طرح کار امنیتی تنت به عنوان نخستین گام به سوی اجرای توصیه‌های کمیته میشل، با هدف از سرگیری مذاکرات برای یافتن راه‌حل سیاسی، همکاری نمایند.

قطعنامه ۱۴۰۳ شورای امنیت

شورا در این قطعنامه که در تاریخ چهارم آوریل ۲۰۰۲ صادر شد،^{۴۶} با تأکید بر

قطعنامه‌های پیشین خود در این باره از جمله ۱۳۹۷ و ۱۴۰۲، متذکر می‌شود که قطعنامه ۱۴۰۲ هنوز اجرا نشده است. شورا همچنین با ابراز نگرانی از وخیم‌تر شدن اوضاع از مأموریت وزیر خارجه آمریکا به خاورمیانه و به ویژه فرستاده ویژه آمریکا، روسیه، اتحادیه اروپا و هماهنگ کننده ویژه سازمان ملل، برای برقراری یک صلح پایدار عادلانه و جامع در خاورمیانه، اظهار امیدواری می‌کند.

قطعنامه ۱۴۰۵ شورای امنیت

شورا در این قطعنامه که در تاریخ نوزدهم آوریل ۲۰۰۲ صادر شد،^{۴۷} با تأکید بر قطعنامه‌های ۲۴۲، ۳۳۸، ۱۳۹۷، ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ از وضعیت وحشتناک فاجعه انسانی در میان مردم غیرنظامی فلسطین به ویژه در اردوگاه جنین و شمار نامشخص کشته‌ها و زخمیها و محدودیت‌های اعمال شده بر کارسازمانهای بشردوستانه از جمله «کمیته بین المللی صلیب سرخ» و «آژانس کار و رفاه سازمان ملل برای آوارگان فلسطین در خاور نزدیک»، ابراز نگرانی می‌کند. همچنین بر اورژانسی بودن نیاز شهروندان فلسطین جهت دسترسی به امدادهای پزشکی تأکید می‌کند.

قطعنامه ۱۴۱۵ شورای امنیت

شورا در این قطعنامه که در تاریخ سی ام مه ۲۰۰۲ صادر شد،^{۴۸} ضمن تأکید بر اجرای قطعنامه ۳۳۸ مدت استقرار نیروهای undof را تمدید می‌کند.

قطعنامه ۱۴۲۸ شورای امنیت

شورا در این قطعنامه که در تاریخ بیستم ژوئیه ۲۰۰۲ صادر شد،^{۴۹} دوباره دقیقاً همان مفاد قطعنامه ۱۳۹۱ درباره حفظ صلح و امنیت در مناطق آزاد شده جنوب لبنان توسط دولت لبنان و با کمک نیروهای unifil را تکرار می‌کند.

شورا در این قطعه‌نامه که در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۲ صادر شد،^{۵۰} با اشاره به برخی قطعه‌نامه‌های پیشین خود نگرانی خود را از رویدادهای نگران‌کننده و خشونت بار که از سپتامبر ۲۰۰۰ آغاز شده ابراز می‌کند. شورا همچنین حمله‌های تروریستی علیه شهروندان را از جمله: بمب‌گذاری در اسرائیل در تاریخ هجدهم و نوزدهم سپتامبر و متقابلاً در یک مدرسه فلسطینی در هیرون در تاریخ هفدهم سپتامبر را محکوم می‌نماید. شورا همچنین محاصره مقر رییس حکومت فلسطین در شهر رام‌الله را که در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۲ اتفاق افتاده، محکوم می‌کند و فوراً خواهان توقف آن می‌شود. شورا نسبت به تصرف مجدد شهرهای فلسطین به اسرائیل هشدار می‌دهد و رعایت حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، از جمله کنوانسیون چهارم ژنو درباره حمایت از افراد غیرنظامی، در تاریخ دوازدهم اوت ۱۹۴۹ را به طرفین متذکر می‌شود و در نهایت، موارد زیر را بیان می‌کند: ۱. درخواست توقف کامل اعمال خشونت آمیز مانند ترور و اعمال تحریک آمیز؛ ۲. درخواست از دولت اسرائیل برای توقف فوری اقداماتش در اطراف رام‌الله و تأمین امنیت شهروندان فلسطینی؛ ۳. درخواست از اسرائیل برای عقب‌نشینی از سرزمینهای فلسطینی و بازگشت به مرزهای پیش از سپتامبر ۲۰۰۰؛ ۴. درخواست از حکومت خودگردان فلسطین برای تضمین برخورد و مجازات مسئولان اعمال تروریستی.

نکته قابل ملاحظه در این قطعه‌نامه این است که لحن قطعه‌نامه بیشتر از آنکه علیه اسرائیل باشد، علیه فلسطین است. شورا در این قطعه‌نامه پیش از اینکه اعمال اسرائیل را محکوم نماید، حملات فلسطینی‌ها به اسرائیل را تحت عنوان حملات تروریستی محکوم می‌کند، ضمن اینکه باید به این مسئله توجه کرد که بار منفی این عنوان (حملات تروریستی) پس از یازدهم سپتامبر بسیار بیشتر و هزینه روانی آن به شدت سنگین‌تر شده است. نکته بدیع دیگری که در این قطعه‌نامه به چشم می‌خورد آن است که شورا برای نخستین بار و با صراحت از حکومت خودگردان فلسطین می‌خواهد، با نیروهای مبارز فلسطینی برخورد نماید و این، در حالی است که بیشتر حملات فلسطینی‌ها واکنش در برابر تجاوزات اسرائیل است. در مجموع، این قطعه‌نامه صراحت و شفافیت بیشتری نسبت به قطعه‌نامه‌های پیشین دارد.

در این دوره دو ساله، تنها یک قطعنامه در شورای امنیت درباره قضیه فلسطین توسط ایالات متحده آمریکا وتو شد. در این پیش نویس که در تاریخ ۲۶ مارس ۲۰۰۱ وتو شد،^{۵۱} ضمن ابراز نگرانی از شمار کشته ها و زخمیها «به ویژه در میان فلسطینی ها» آمده است که اسرائیل باید به تعهدات خود در کنوانسیون چهارم ژنو عمل نماید، چرا که وضعیت محاصره شدگان فلسطینی از نظر اقتصادی و کمکهای بشردوستانه، وخیم است. همچنین در این پیش نویس از فعالیتهای اسکان دهی و گسترش شهرک سازی در جبل ابوخینم ابراز نگرانی شده و از اسرائیل درخواست شده تا این فعالیتهای متوقف نماید. از جمله دیگر موارد این پیش نویس، پایان دادن به محاصره سرزمینهای اشغال شده فلسطین از سوی اسرائیل و اجازه از سرگیری فعالیتهای طبیعی روزانه زندگی به آنان؛ پرداخت کلیه حقوق و مالیاتهای مقرر در پروتکل پاریس درباره روابط اقتصادی مورخ ۲۶ آوریل ۱۹۹۴ از سوی اسرائیل به فلسطینی ها می باشد. همان گونه که ملاحظه می شود لحن این پیش نویس تا اندازه ای در حمایت از فلسطینی ها است و بیشتر مفاد آن، درخواستهایی است که از اسرائیل در جهت احقاق حقوق فلسطینی ها شده است، در حالی که ایالات متحده، این مواضع بسیار معتدل را نیز نمی تواند بپذیرد، به طوری که نماینده آن کشور در شورا این پیش نویس را ناعادلانه می داند و معتقد است که شورای امنیت باید فلسطینی ها را نیز مورد خطاب قرار داده، تحت فشار بگذارد و این در حالی است که مردم فلسطین در آن تاریخ، تحت فشار محاصره ارتش اسرائیل قرار دارند. کونینگام، نماینده آمریکا در شورای امنیت درباره دلیل وتوی آن کشور بر روی پیش نویس بالا چنین می گوید:

«ایالات متحده برای دادن رأی منفی به این قطعنامه، متأسف است. ما می خواهیم از اقداماتی که به نحوی به پیشرفت صلح کمک می کند، حمایت کنیم و این، یک اصل اساسی برای ما است، ولی متأسفانه این قطعنامه هدف اصلی ما را پوشش نمی دهد. این قطعنامه بیانگر دیدگاهی غیرواقع بینانه به منازعه ای پیچیده است، چرا که اساسیترین اصول حفظ صلح از جمله نیاز به تشویق هر دو طرف برای یافتن راه حلی پایدار و سپس کمک به اجرای آن را نادیده می گیرند.»

ایالات متحده، مخالف این قطعنامه است، چرا که نه متعادل است، نه کاربردی و نه عادلانه، این قطعنامه، بیشتر متأثر از تخیلات سیاسی است تا واقعیات سیاسی. در این قطعنامه، برخی اوهامات ساختگی مانند «مکانیسم حفاظت از شهروندان»، مطرح شده در حالی که هیچ توافقی بین طرفین برای این کار صورت نگرفته است. شورای امنیت از سوی جامعه بین الملل عمل می کند و لازم است از هر دو طرف بخواهد به خشونت پایان دهند، از شهروندان محافظت نمایند و مذاکرات را از سرگیرند. تنها در این صورت است که شهروندان هر دو طرف در امان خواهند بود و ایالات متحده از قطعنامه ای که این مفاد را در برداشته باشد، حمایت خواهد کرد. شورای امنیت می بایست از هر دو طرف بخواهد گامهای ضروری را برای بازگرداندن اعتماد متقابل - از جمله پایان دادن به خشونت و از سرگیری تماسها در تمام سطوح - بردارد تا طرفین، تعهدات متقابل از جمله تفاهات به عمل آمده در گردهمایی سران در شرم الشیخ را اجرا نمایند. چرا که سران فلسطینی هیچ گاه به تعهدات خود در آن گردهمایی، در قبال جلوگیری از خشونت عمل نکرده اند.»

بیان این جملات از آن جهت مفید است که روشن شود ایالات متحده در شورای امنیت، تنها از پشت عینک اسرائیل به قضیه فلسطین نگاه می کند و حاضر نیست نگاهی بی طرفانه به این قضیه بیندازد. در واقع، منطق آمریکا درباره فلسطین، منطق «نخست غلاف کردن مشت و پس شمشیر» است. آن کشور نمی خواهد بپذیرد که نخست باید شمشیر ارتش مسلح اسرائیل غلاف شود و پس از آن متقابلاً مشت‌های خالی، اما گره کرده انتفاضه فرود آید. پس از یازدهم سپتامبر و تلاش ایالات متحده برای شکل دهی به یک ائتلاف ضد تروریسم و نیاز به حمایت کشورهای دنیا - به ویژه کشورهای منطقه خاورمیانه و عربی - لازم بود که آن کشور، سیاست معتدلتر و عادلانه تری نسبت به منازعه اعراب - اسرائیل در پیش گیرد. به همین دلیل، پس از یازدهم سپتامبر، نخست آمریکا سیاست خردمندانه تری در این باره در پیش گرفت، ولی پس از پیروزی سریع در افغانستان و موفقیت نسبی در شکل دهی به ائتلاف ضد تروریسم، مجدداً حمایت‌های بی رویه و ناخردمندانه آمریکا از اسرائیل شروع شد.^{۵۲}

همان گونه که ملاحظه می شود، اهم مطالب قطعنامه های صادر شده از سوی شورای امنیت درباره انتفاضه دوم را می توان در چند موضوع خلاصه نمود: ۱. درخواست از طرفین برای آتش بس و توقف درگیریها و ابراز نگرانی از ادامه روند درگیریها؛ ۲. درخواست از طرفین برای اجرای قطعنامه های پیشین سازمان ملل از جمله ۲۴۲، ۳۳۸ و ۴۲۵؛ ۳. درخواست از دولت لبنان برای اعمال حاکمیت خود بر جنوب لبنان و تأمین امنیت آنجا؛ ۴. تمدید نیروهای یونیفیل و دعوت از طرفین برای تأمین امنیت آنان.

نکته قابل توجه این است که پس از یک دهه رکود و در حاشیه رفتن موضوع فلسطین در شورای امنیت، مجدداً شورا، توجه بیشتری به این موضوع، (از هنگام شروع انتفاضه دوم به پس تاکنون) نشان داده است. این موضوع می تواند دلایل مختلفی داشته باشد؛ ۱. مطمئناً مهمترین دلیلی که به ذهن در این رابطه متبادر می گردد، وضعیت خود فلسطین و اوج گیری انتفاضه مردم فلسطین و متقابلاً شدت حملات ارتش اسراییل علیه مردم فلسطین در طول دو سال گذشته بوده است که طبیعتاً در این اوضاع، فعالیت شورا هم در این باره افزایش خواهد یافت؛ ۲. سوریه به عنوان عضو موقت و غیردایم شورای امنیت، مطمئناً در مقابل قدرتهای بزرگتری مانند ایالات متحده - به عنوان عضو دایم و دارای حق وتو - قابلیت برابری و مقابله و اعمال نفوذ چندانی ندارد ولی با این حال، حضور سوریه در شورا هم دست کم در قرار گرفتن موضوع فلسطین در دستور کار شورای امنیت بی تأثیر نخواهد بود؛ ۳. جدا از دو مورد بالا، در سطح کلان شاید موضوعی کمتر محسوس، ولی بسیار حائز اهمیت، تحولات نظام بین الملل و مسئله جهانی شدن باشد. جهانی شدن، گسترش ارتباطات و تعبیر مناسب کل دنیا به «دهکده های جهانی با دیوارهای شیشه ای» طبیعتاً گسترش و فراگیر شدن اخبار مربوط به فلسطین و انتفاضه در جهان را به دنبال خواهد داشت. این سیاست اخبار و اطلاعات، افکار عمومی جهان را تهییج کرده، نهایتاً افکار عمومی به همراه سازمانهای غیر دولتی و سایر بازیگران غیردولتی بر سیاست گذاری و موضع گیری مطلوب و عادلانه دولتها نسبت به قضیه فلسطین تأثیر می گذارند. این، همان موضوعی است که جدیداً از آن به عنوان «انتفاضه جهانی» نام برده می شود.^{۵۴}

دکتر سجادیپور می‌گوید:^{۵۵} نام محمدالدوره، نامی جهانی شده است. تصویری که از کشته شدن وی در دامان پدر در سرتاسر دنیا پخش شد، همدردی جهان را به همراه آورد که تأثیر آن را حتی می‌توان در تصمیمات شورای امنیت نیز دید. نتیجه آنکه با روند روبه گسترش ارتباطات و مسئله جهانی شدن و نقش افکار عمومی و سازمانهای غیر دولتی بر سیاست گذاریهای کلان، موجب می‌شود که شورای امنیت با وجود نفوذ ایالات متحده نتواند موضع گیریهای مناسب داشته باشد. به عبارتی شورای امنیت در زیر نگاه جهانیان نمی‌تواند نسبت به مظلومیت مردم فلسطین و کشتار آنان توسط ارتش اسرائیل بی‌تفاوت باشد. از سوی دیگر نیز، با توجه به آگاهی جهانیان نسبت به مظلومیت مردم فلسطین، به تدریج انتظار می‌رود روند کار برای دولتهایی مانند آمریکا درباره حمایت ناموجه از اقدامات اسرائیل، مشکلتر گردد.

نتیجه گیری

مسئله فلسطین قدیمیترین و قطورترین پرونده سازمان ملل و به ویژه شورای امنیت است. بیش از ۵۶ سال است که این مسئله در دستور کار شورای امنیت قرار گرفته است. در طول این مدت، شورای امنیت ۲۲۴ قطعنامه، از مجموع ۱۴۳۷ قطعنامه صادر شده از سوی شورای امنیت را به خود اختصاص داده است. (نگاه کنید به جدول شماره ۳)، به عبارتی، بیش از هفده درصد (بیش از یک ششم) از مجموع قطعنامه های شورای امنیت درباره مسئله فلسطین و بحران اسرائیل صادر شده است. قطعنامه های سازمان ملل در طول این دوره مدید از نظر محتوایی، سیر نزولی داشته است. به عبارتی سازمان ملل درباره بحران فلسطین تمام کوشش خود را در همان سالیان اولیه بحران در قالب چندین قطعنامه مهم (هرچند بعضاً تا حدودی ناعادلانه)، از جمله ۱۸۱ مجمع عمومی، ۲۴۲، ۳۳۸ و غیره ازایه داد و پس از آن، سازمان هیچ حرف تازه ای دیگری نداشت و مرتباً به همان قطعنامه های پیشین خود رجوع می‌کرد. بیشتر قطعنامه های سازمان ملل درباره بحران اعراب و اسرائیل، بسیار شبیه به هم و تکراری است و به ویژه در دو دهه اخیر، کمتر مفاهیم نو و بدیعی در قطعنامه های شورای

امنیت می‌توان یافت که پیش از این شورا آن را نگفته باشد. به عنوان مثال، قطعنامه ۱۴۲۸ شورای امنیت مورخ سی‌ام ژوئیه ۲۰۰۲ دقیقاً همان بندها و مفاد قطعنامه ۱۳۹۱ مورخ ۲۸ ژانویه ۲۰۰۲ را بیان می‌کند و واقعاً جای تعجب است که شورای امنیت به جای پیگیری قطعنامه‌های صادر شده پیشین خود، دوباره همان قطعنامه‌ها را در قالب قطعنامه‌های جدیدی، صادر می‌کند.

مسئله بسیار مهم در این میان، نبودن هیچ‌گونه ضمانت اجرایی برای آن دسته از قطعنامه‌های شورا است که درباره فلسطین صادر شده است. در طول این سالیان دراز و صدور این همه قطعنامه‌های تکراری، هیچ‌گاه شورا اقدامی عملی جهت اجرای این قطعنامه‌های خود انجام نداده و جالب آن است که شورا به جای اندکی توجه به انجام این قطعنامه‌های صادر شده در عمل، تلاش خود را تنها مصروف افزایش شمار قطعنامه‌های بی‌فایده خود می‌کند. ویژگی دیگر قطعنامه‌های شورای امنیت درباره فلسطین، غیرشفاف بودن و عدم تصریح آنها در مورد برخی جنایات آشکار رژیم اسرائیل است. به عنوان مثال، در برهه حساس تاریخی کشتار مردم فلسطین توسط اسرائیل، در روزهای آغازین انتفاضه دوم، شورا قطعنامه ۱۳۲۲ را صادر کرد که در آن تنها با قربانیان این حادثه اظهار همدردی شده است و به خود اجازه نداده که صراحتاً رژیم اسرائیل را به عنوان مسئول مستقیم این فاجعه انسانی معرفی، محکوم و بازخواست نماید، که شاید فهم این مسئله چندان دشوار نباشد. اگر توجه کنیم که این قطعنامه برای تصویب، نیاز به تأیید آمریکا دارد، کل وتوهای که درباره قضیه فلسطین در شورای امنیت اعمال شده، ۵۱ مورد بوده است که ۳۳ مورد آن را آمریکا به تنهایی مرتکب شده است. به عبارتی ۶۵ درصد کل وتوهای که به روی قضیه فلسطین انجام شده، توسط ایالات متحده آمریکا بوده است. از سوی دیگر، کل وتوهای ایالات متحده در تمام عمر شورای امنیت، ۷۳ مورد بوده است که از این تعداد ۳۳ مورد آن را درباره قضیه فلسطین به کار گرفته است.^{۵۶} این رقم نشان می‌دهد که ایالات متحده بیش از ۴۵ درصد از کل وتوهای که در شورای امنیت انجام داده بر روی قضیه فلسطین بوده است. اگر در یک لحظه، شمایی کلی از تحولات بسیار حساس نیم قرن گذشته جهان، حوادث و بحرانها و تحولات حساس مربوط به

دوران جنگ سرد - که در همه آنها ایالات متحده حضور مستقیم داشته است - را از نظر بگذارانیم آنگاه مشخص می‌شود که صرف ۴۵ درصد از کل وتوهای ایالات متحده در جهت حمایت از اسرائیل در شورای امنیت، بسیار رقم چشمگیری است. مسئله فلسطین، همیشه تابعی از وضعیت بین‌المللی بوده و به تبع از حوادث نظام بین‌الملل، موضوع حل و فصل بحران فلسطین دارای فراز و نشیب بوده است. در دوران جنگ سرد، قضیه فلسطین وارد دستور کار شورای امنیت می‌شد و ایالات متحده، تنها می‌توانست برای مقابله، از ابزار وتو استفاده نماید. پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، ایالات متحده، موضوع فلسطین را در دست خود گرفت و کمتر اجازه داد که این مسئله وارد دستور کار شورای امنیت شود، بنابراین، کمتر به استفاده از وتو نیاز پیدا کرد. در دوران جدید با جهانی شدن و فراگیر شدن ارتباطات و گسترش اخبار مربوط به فلسطین سازمان ملل از یک طرف از سوی افکار عمومی جهان و مجامع بین‌المللی، برای اتخاذ موضع عادلانه و مناسب به موقع، بیش از پیش در فشار است و از سوی دیگر، ایالات متحده برای حمایت بی‌رویه خود از اسرائیل و اتخاذ مواضع عادلانه و عقلانی در شورای امنیت، نیازمند توجه بیشتر به افکار عمومی جهان و توجیه قانونی اقدامات خود و کسب مشروعیت جهانی برای مواضع خود است. □

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۱

شماره قطعنامه های مربوط به فلسطین	قطعنامه های فلسطین	کل قطعنامه های شورای امنیت	سال
-	-	۱۵	۱۹۴۶
-	-	۲۲	۱۹۴۷
۶۶.۶۲.۶۱.۶۰.۵۹.۵۷.۵۶.۵۴.۵۳.۵۰.۴۹.۴۸.۴۶.۴۴.۴۳.۴۲	۱۶	۲۹	۱۹۴۸
۷۳.۷۲	۲	۱۲	۱۹۴۹
۸۹	۱	۱۱	۱۹۵۰
۹۵.۹۳.۹۲	۳	۷	۱۹۵۱
-	-	۲	۱۹۵۲
۱۰۱.۱۰۰	۲	۵	۱۹۵۳
-	-	۲	۱۹۵۴
۱۰۸.۱۰۷.۱۰۶	۳	۵	۱۹۵۵
۱۱۴.۱۱۳.۱۱۱	۳	۱۱	۱۹۵۶
-	-	۵	۱۹۵۷
۱۲۹.۱۲۷	۲	۵	۱۹۵۸
-	-	۱	۱۹۵۹
-	-	۲۵	۱۹۶۰
۱۶۲	۱	۱۰	۱۹۶۱
۱۷۱	۱	۷	۱۹۶۲
-	-	۸	۱۹۶۳
-	-	۱۴	۱۹۶۴
-	-	۲۰	۱۹۶۵
۲۲۸	۱	۱۳	۱۹۶۶
۲۲۴.۲۲۰.۲۲۷.۲۲۶.۲۲۵.۲۲۴.۲۲۳	۶	۱۲	۱۹۶۷
۲۵۲.۲۵۱.۲۵۰.۲۴۸	۴	۱۱	۱۹۶۸
۲۷۱.۲۷۰.۲۶۷.۲۶۵	۴	۱۳	۱۹۶۹
۲۸۵.۲۸۰.۲۷۹	۳	۱۶	۱۹۷۰
۲۹۸	۱	۱۶	۱۹۷۱
۳۱۷.۳۱۶.۳۱۲	۳	۱۷	۱۹۷۲
۳۲۲.۳۲۱.۳۲۰.۳۲۹.۳۲۸.۳۲۷.۳۲۱	۷	۲۰	۱۹۷۳
۳۲۶.۳۲۷.۳۲۵.۳۲۲.۳۲۳	۵	۲۲	۱۹۷۴
۳۳۸.۳۳۹.۳۳۷.۳۳۶.۳۳۱	۵	۱۸	۱۹۷۵
۳۶۰.۳۶۶.۳۶۸	۳	۱۸	۱۹۷۶
۳۰۸.۳۱۶.۳۱۲	۳	۲۰	۱۹۷۷
۳۲۵.۳۲۶.۳۲۷.۳۲۹.۳۲۴.۳۲۳.۳۲۲.۳۲۱	۸	۲۱	۱۹۷۸
۳۳۴.۳۳۳.۳۳۲.۳۳۰.۳۳۰.۳۳۰.۳۳۰.۳۳۰	۷	۱۸	۱۹۷۹
۳۴۵.۳۴۷.۳۴۸.۳۴۹.۳۴۷.۳۴۶.۳۴۵.۳۴۱.۳۴۱.۳۴۲	۱۱	۲۳	۱۹۸۰
۳۸۵.۳۸۷.۳۸۸.۳۹۰.۳۹۳.۳۹۷.۳۹۸	۷	۱۵	۱۹۸۱
۵۰۱.۵۰۶.۵۰۸.۵۰۹.۵۱۲.۵۱۱.۵۱۱.۵۱۱.۵۱۱.۵۱۵.۵۲۳.۵۲۴	۱۶	۲۹	۱۹۸۲
۵۲۹.۵۳۱.۵۳۶.۵۳۸.۵۳۴.۵۳۴	۶	۱۷	۱۹۸۳
۵۴۹.۵۵۱.۵۵۵.۵۵۷	۴	۱۴	۱۹۸۴
۵۶۲.۵۶۳.۵۶۴.۵۷۳.۵۷۵.۵۷۶	۶	۲۱	۱۹۸۵
۵۸۳.۵۸۴.۵۸۶.۵۸۷.۵۹۰.۵۹۲	۶	۱۳	۱۹۸۶
۵۹۴.۵۹۶.۵۹۹.۶۰۲.۶۰۵	۵	۱۳	۱۹۸۷
۶۲۴.۶۱۷.۶۱۳.۶۱۱.۶۰۹.۶۰۸.۶۰۷	۷	۲۰	۱۹۸۸
۶۳۰.۶۳۱.۶۳۲.۶۳۶.۶۳۹.۶۳۱.۶۳۵	۶	۲۰	۱۹۸۹
۶۳۸.۶۳۵.۶۳۹.۶۷۲.۶۷۳.۶۷۹.۶۸۱	۷	۲۷	۱۹۹۰
۶۸۴.۶۹۴.۶۹۵.۷۲۲.۷۰۱	۵	۴۲	۱۹۹۱
۷۲۶.۷۵۶.۷۶۸.۷۹۰.۷۹۹.۷۳۴	۶	۷۴	۱۹۹۲
۸۰۳.۸۳۰.۸۵۲.۸۸۷	۴	۹۲	۱۹۹۳
۸۹۵.۹۰۴.۹۲۱.۹۳۸.۹۶۲	۵	۷۷	۱۹۹۴
۹۷۴.۹۹۵.۱۰۰۶.۱۰۲۴	۴	۶۶	۱۹۹۵
۱۰۳۹.۱۰۵۲.۱۰۵۷.۱۰۶۸.۱۰۸۱.۱۰۷۳	۶	۵۷	۱۹۹۶
۱۰۹۵.۱۱۰۹.۱۱۲۳.۱۱۳۹	۴	۵۴	۱۹۹۷
۱۱۵۱.۱۱۶۹.۱۱۸۸.۱۲۱۱	۴	۷۳	۱۹۹۸
۱۲۲۳.۱۲۳۳.۱۲۵۴.۱۲۷۶	۴	۲۵	۱۹۹۹
۱۲۸۸.۱۳۰۰.۱۳۱۰.۱۳۲۲.۱۳۳۸	۵	۶۰	۲۰۰۰
۱۳۸۱.۱۳۳۷.۱۳۵۱.۱۳۶۵	۴	۵۲	۲۰۰۱
۱۳۹۱.۱۳۹۷.۱۴۰۲.۱۴۰۳.۱۴۰۵.۱۴۱۵.۱۴۲۸.۱۴۳۵	۸	۵۰	۲۰۰۲
	۲۲۴	۱۴۳۷	مجموع

<http://www.un.org/documents/SC/res>

منبع:

۱۷۲

جدول شماره ۲: آمار وتوهای آمریکا بر روی قضیه فلسطین

شماره نشست شورا	شماره طرح پیش نویس قطعنامه	تاریخ	
۱۶۶۲	S/۱۰۷۸۴	۱۰/سپتامبر/۱۹۷۲	۱
۱۷۳۵	S/۱۰۹۷۴	۲۴/ژوئیه/۱۹۸۳	۲
۱۸۶۲	S/۱۱۸۹۸	۵/دسامبر/۱۹۷۵	۳
۱۸۷۹	S/۱۱۹۴۰	۲۳/ژانویه/۱۹۷۶	۴
۱۸۸۹	S/۱۲۰۲۲	۲۴/مارس/۱۹۷۶	۵
۱۹۳۸	S/۱۲۱۱۹	۲۹/ژوئن/۱۹۷۶	۶
۲۲۲۰	S/۱۲۹۱۱	۲۸/آوریل/۱۹۸۰	۷
۲۳۲۹	S/۱۴۸۳۲	۱۹/ژانویه/۱۹۸۲	۸
۲۳۴۸	S/۱۴۹۴۳	۱/آوریل/۱۹۸۲	۹
۲۳۵۷	S/۱۴۹۸۵	۲۰/آوریل/۱۹۸۲	۱۰
۲۳۷۷	S/۱۵۱۸۵	۸/ژوئن/۱۹۸۲	۱۱
۲۳۸۱	S/۱۵۲۵۵	۲۵/ژوئن/۱۹۸۲	۱۲
۲۳۹۱	S/۱۵۳۷۴	۱۶/اوت/۱۹۸۲	۱۳
۲۴۶۱	S/۱۵۸۹۵	۱/اوت/۱۹۸۳	۱۴
۲۵۵۶	S/۱۶۷۳۲	۶/سپتامبر/۱۹۸۴	۱۵
۲۵۳۷	S/۱۷۰۰۰	۱۲/مارس/۱۹۸۵	۱۶
۲۶۰۵	S/۱۷۴۵۹	۱۲/سپتامبر/۱۹۸۵	۱۷
۲۶۴۲	S/۱۷۷۳۰	۱۷/ژانویه/۱۹۸۶	۱۸
۲۶۵۰	S/۱۷۷۶۹	۲۹/ژانویه/۱۹۸۶	۱۹
-	S/۱۷۷۹۶	۶/فوریه/۱۹۸۶	۲۰
۲۷۸۴	S/۱۹۴۳۴	۱۵/ژانویه/۱۹۸۸	۲۱
۲۷۹۰	S/۱۹۴۶۶	۲۹/ژانویه/۱۹۸۸	۲۲
۲۸۰۶	S/۱۹۷۸۰	۱۴/آوریل/۱۹۸۸	۲۳
۲۸۱۴	S/۱۹۸۶۸	۶/امی/۱۹۸۸	۲۴
۲۸۳۲	S/۲۰۳۲۲	۱۴/دسامبر/۱۹۸۸	۲۵
۲۸۵۰	S/۲۰۴۶۳	۱۷/فوریه/۱۹۸۹	۲۶
۲۸۶۶	S/۲۰۶۷۷	۸/ژوئن/۱۹۸۹	۲۷
۲۸۸۹	S/۲۰۹۴۵	۶/نوامبر/۱۹۸۹	۲۸
۲۹۲۶	S/۲۱۳۲۶	۳۰/مه/۱۹۹۰	۲۹
-	S/۱۹۹۵/۳۹۴	۱۷/مه/۱۹۵۵	۳۰
-	S/۱۹۹۷/۹۹۱	۷/مارس/۱۹۹۷	۳۱
-	S/۱۹۹۷/۲۴۱	۲۱/مارس/۱۹۹۷	۳۲
-	S/۲۰۰۱/۲۷۰	۲۶/مارس/۲۰۰۱	۳۳

منبع: <http://www.domino.un.org/UNISPAL.NSF/db942872b9eae454852560f6005a76Fb!...>

جدول شماره ۳

سال	تعداد کل قطعه‌ها	قطعه‌های مربوط به فلسطین	درصد
۱۹۷۳ تا ۱۹۴۶	۳۳۷	۶۳	٪۱۹
۱۹۹۱ تا ۱۹۷۴	۳۸۱	۱۱۷	٪۳۱
۱۹۹۲ تا ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰	۶۰۵	۴۰	٪۶,۶
۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ تا ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۲	۱۱۴	۱۴	٪۱۲,۲
مجموع	۱۴۳۷	۲۳۴	٪۱۷

<http://www.un.org/documents/SC/res>

منبع:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پاورقیها:

1. Charter of United Nation, Published by the un Department of Public Informaiton (october 1997).
۲. برای توضیح بیشتر راجع به مهاجرت گسترده یهودیان در دهه های ۴۰-۳۰-۱۹۲۰ رجوع شود به عبدالوهاب کیالی، تاریخ نوین فلسطین، ترجمه محمد جواد کلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶.
۳. برایان اور کھات، زندگی در جنگ و صلح، ترجمه حسین مشهدی، تهران: اطلاعات ۱۳۶۹، ص ۱۱۶.
۴. کورت والدھایم، «سازمان ملل و منافع ملی». فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، تابستان ۱۳۷۸، ص ۶۸.
5. United nation, *The United Nation and the Question of Palestin*, Publisher by UN-Department of public Information, New York: October 1994, p 2-7.
6. United Nations Document, General Assembly Resolution 181, Nov29, 1947
۷. برای توضیح بیشتر در این باره رجوع شود به هنری کتان، فلسطین و حقوق بین الملل، ترجمه غلامرضا فدایی عراقی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸، چاپ دوم، ص ص ۴۶-۴۵.
8. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 194, Des,11,1948.
۹. هنری کتان، پیشین، ص ۱۰۵.
10. United Nations Document, Security Council, Resolution 237 Jun,5,1967.
11. United Nations Document, Security Council, Resolution 242, Nov,22,1967.
12. *U.N. The Origins and Evolution of the Palestine problem*, New York: 1990, p. 146.
13. United nation Document, Security Council, Resoltion338, Oct,16,1973.
۱۴. جمیله کدیور، انتفاضه، حماسه مقاومت فلسطین، تهران: اطلاعات ۱۳۷۲، ص ۲۲-۲۱.
15. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 3210, Oct/14/1974
16. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 3376, Nov/10/1975
17. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 3379, Nov/10/1975
18. United Nations Document, *General Assembly Resoltion* 46/86, Dec/16/1991
19. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 425, March/17/1978
20. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 34/65, Nov/21/1979
21. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 478, August/1980
22. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 37/83, Sep/8/1982
23. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 520, Sep/16/1982
24. U.N, *op.cit.*, p. 246.
25. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 605, Dec/22/1987
26. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 43/177, 1988.
27. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 641, August/30/1989
28. U.N. The question *op.cit.*, p. 14
29. United Nations Yearbook of UN. 1991,pp. 221-224.
30. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 46/75, Dec/11/1991

31. United Nations Truce Supervision Organisation
 32. Richard Hiscocks, *The Security Council*, New York: The Free Press, Co. INC, 1973, pp. 137-140
 33. United Nations Emergency force.
 34. United Nations interim Force in Lebanon
 35. 50 years on Peacekeeping 1948-1998, un/oct/1998, pp. 80-81.
 36. [http:// www. globalpolicy.org/security/data/vetotab.htm](http://www.globalpolicy.org/security/data/vetotab.htm).
 37. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 1322, Oct/7/2000
 38. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 1328, Nov/27/2000
 39. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 1337, Jan/30/2001
 40. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 1351, May/30/2001
 41. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 1365, July/31/2001
 42. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 1381, Nov/27/2001
 43. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 1391, Jan/28/2002
 44. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 1397, March/12/2002
 45. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 1402, March/30/2002
 46. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 1403, April/4/2002
 47. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 1405, April/19/2002
 48. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 1415, May/30/2002
 49. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 1428, July/30/2002
 50. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 1435, Sep/24/2002
 51. United Nations Document, *General Assembly Resolution* 270, March/26/2001
 52. United Nations Security Council, S/PV 4305, Mach/27/2001
۵۳. برای توضیحات بیشتر رجوع شود به امیر محمد حاجی یوسفی، «خاورمیانه پس از یازدهم سپتامبر با تأکید بر مناسبات اعراب و رژیم صهیونیستی»، فصلنامه سیاست خارجی، ویژه پیامدهای یازدهم سپتامبر، سال پانزدهم، زمستان ۱۳۸۰، ص ۶-۱۱۱۵.
۵۴. سیدمحمد کاظم سجادیپور، «انتفاضه فلسطین و سیستم بین المللی از جنگ سرد تا جهانی شدن»، فصلنامه سیاست خارجی، ویژه انتفاضه، سال پانزدهم، بهار ۸۰، ص ۱۳۸.
۵۵. همان.
56. <http://domino.un.org/UNISPAL.NSF/db.942872b9.cae45485.2560f6005a76Fb!...>